

ادله تحریم نوع اول:

دلیل اول) آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»^۱

ترجمه:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را در میان خود بباطل و از طرق نامشروع نخورید؛ مگر این که تجارتي با رضایت طرفین شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است»

ما می‌گوییم:

۱. نحوه استدلال به این آیه برای تحریم نوع اول چنین است:

«ان هذا الأكل ليس بداخل في التجارة عن تراض فان المراد بالتجارة هي الأسباب الشرعية التي جعلها الشارع المقدس و اعتبر من جملة تلك الأسباب (التراضى) و من الواضح أن هذه الطريقة ليست من تلك الأسباب المقررة فتكون داخله في القسم الأول أعني الأكل بالباطل»^۲

توضیح:

۱. آنچه حلال است، اکل مالی است که از اسباب مقررّه شرعیه حاصل شده باشد و روشن است که این نوع از بخت آزمائی از اسباب مقررّه شرعیه نیست
 ۲. ممکن است از عبارت مرحوم حلی (و اعتبر من جملة تلك الاسباب التراضى) چنین برداشت شود که گویی «تراضی» خود از اسباب شرعی است. ولی ظاهراً مراد ایشان از «من»، «فی» است. یعنی برای جواز اکل، هم باید سبب از اسباب مقررّه باشد و هم رضایت موجود باشد. اللهم الا ان يقال: مستشکل می‌خواهد بگوید در بخت‌آزمایی، رضایت نیست (ولی اگر رضایت موجود باشد، رضایت به تنهایی سبب شرعی است) که در این صورت باید بگوییم آنچه در صحت عقد دخیل است، رضایت حین العقد است و نه رضایت بعد از عقد.
 ۳. مرحوم حلی خود به این استدلال پاسخ می‌دهد:
- «و الجواب: عن الاستدلال بهذه الآية المباركة:

۱. نساء، آیه ۲۹

۲. بحوث فقهیه، ص ۵۹





أولاً- بالمنع من عدم دخول ما نحن فيه في التجارة عن تراض فان الظاهر بقريضة المقابلة في الآية الشريفة بين أكل المال بالباطل و أكله بالتجارة كما في صريح الآية، و التي هي معاملة حاصله برضاء الطرفين هو ان المراد بأكل المال بالباطل هو اكله بغير طريق المعاملة الواقعة برضاء الطرفين فكل معاملة واقعة برضاء الطرفين هي داخله في القسم الثاني.

و ثانياً- أنا لو سلمنا أن المراد بالأكل بالباطل هو الأكل بدون سبب من الأسباب الشرعية المسوغة للأكل:

الا ان هذه المعاملة من الأسباب الشرعية المسوغة للأكل فهي خارجة عنها تخصصاً لكونها من العقود التي يجب الوفاء بها أخذاً بالآيات الكريمة من قوله تعالى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.

و قد سبق توفر أركان العقد فيها من الإيجاب، و القبول.^١

توضيح:

أولاً بخت آزمایی مصداق تجارت عن تراض است، چراکه ظاهر آیه شریفه (به قرینه مقابله بین اکل بالباطل و اکل ناشی از تجارت عن تراض - که همین معامله حاصل از رضایت طرفین است-) این است که اکل بالباطل، اکل از «غیر معامله واقعه برضا الطرفین» است و هرچه «معامله واقعه برضا الطرفین» است، جایز است.

ثانياً: اگر هم مراد آیه، اکل حاصل از اسباب مقررّه باشد:

بخت آزمایی هم از اسباب مقررّه شرعیه است (چرا که اوفو بالعقود همه اسباب را، لازم الوفا می داند) [و ارکان عقد مثل ایجاب و قبول در بخت آزمایی هم موجود است]

۴. اما نکته مهم آن است که توجه کنیم، این آیه بر فرض که دلالت آن تمام باشد، بخت آزمایی را باطل معرفی می کند و آن را باعث تملیک بر نمی شمارد (البته آیه تصرف در مال حاصل از عقد را حرام می داند - حرمت ثانویه - و به تبع، باطل بودن آن فهم می شود).

۵. اما اگر آیه را دال بر حرمت اولیه اصل معامله (و نه بطلان و حرمت تصرف در مال حاصل از معامله) دانستیم:

۵-۱) یا می گوییم: همه معاملات عالم در این آیه مورد اشاره هستند. به این بیان که یا «سبب باطل» هستند (و لذا حرام هستند، به دلالت لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل) و یا «تجارة عن تراض» هستند. (و لذا حلال هستند به دلالت الا ان تكون تجارة عن تراض)



در این صورت اگر گفتیم بخت آزمایی، سبب باطل برای ملکیت است (مثلاً گفتیم قمار است)، این کار حرام می‌شود و اگر گفتیم تجارة عن تراض است، این کار جایز است [و اگر هیچ کدام از این دو فرض را نتوانستیم ثابت کنیم چون عام و خاص متصل هستند، اجمال خاص به عام سرایت می‌کند و لذا تمسک به عام ممکن نیست و لذا اصل بر برائت (حکم تکلیفی) و عدم ملکیت است (بر فرض عدم ادله دیگر)] مرحوم حلی برای آنکه بتوانیم این کار را تجارة عن تراض بدانیم، به آیه اوفوا بالعقود تمسک کرده بود، به این بیان که می‌فرمودند اگر شک داریم که آیا این سبب باطل است یا نه، می‌گوییم چون اوفوا بالعقود، هر عقدی را لازم الوفا می‌داند، پس این عقد هم (که دلیلی بر بطلان آن نداریم) مشمول آیه است، و لذا تجارة عن تراض می‌شود.

در پاسخ می‌گوییم: اوفوا بالعقود در مقام تصحیح اصل معامله نیست، بلکه دلیل لزوم وفای به عقد و دلیل لزوم معاملات است و نمی‌تواند اصل صحت عقد را ثابت کند.

۲-۵) یا می‌گوییم آیه شریفه (تجارة عن تراض)، صرفاً عقود زمان پیامبر (ص) را مد نظر دارند، در این صورت اصلاً عقودی که در زمان پیامبر (ص) موجود نبوده است و بعداً موجود شده است (مثل عقد بخت آزمایی)، تحت عنوان «تجارة عن تراض» نخواهد بود. در نتیجه اگر برای بطلان این عقد، دلیلی اقامه شد، عنوان «اکل مال بالباطل» شامل آن می‌شود. ولی اگر دلیلی بر بطلان موجود نبود، «تجارة عن تراض» را نمی‌توان شامل آن دانست.

اللهم الا ان يقال: اگر عنوان تجارة عن تراض فقط شامل عقود و ایقاعات آن روزگار می‌شود «لا تأکلوا بالباطل» هم شامل باطل های آن دوران می‌شود و لذا عقود و ایقاعات جدید نه تحت عقود مستثنی هستند و نه تحت عقود مستثنی منه

البته در این صورت هم نمی‌توان به اوفوا بالعقود برای تصحیح اصل این عقد تمسک کرد. و الذی یسهل الخطب آنکه دلیلی بر این که مراد از «تجارة عن تراض» عقود موجود در زمان رسول الله (ص) باشد، در دست نیست و این عنوان شامل هر نوع «سبب نقل و انتقال همراه با رضایت» می‌شود و آیه این عنوان را صحیح و جایز برمی‌شمارد و تنها در صورتی که سبب مذکور از طرف شارع (یا عقلاً) باطل دانسته شده باشد، آن را جایز و نافذ نمی‌داند.

دلیل دوم) آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

۱. مانده، آیه ۹۰



ترجمه:

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازالام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن دوری کنید تا رستگار شوید»

ما می‌گوییم:

۱. آیه دیگری هم برای حرمت استقسام به ازالام وارد شده است که در ابتدای بحث قمار آن را هم بررسی

کردیم:

« حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲

ترجمه:

«گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیوانی که به غیر نام خدا ذبح شود، و حیوان خفه شده، و به زجر کشته شده، و حیوانی که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرد، و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشد. و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آن‌که بموقع به آن شکار برسید و آن را سر ببرید - و حیوانی که روی بتها یا در برابر آنها ذبح می‌شود، همه بر شما حرام شده است؛ و همچنین تقسیم کردن گوشت حیوان بوسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اینها، فسق و گناه است. - امروز، کافران از شکست آیین شما مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید؛ و از مخالفت من بترسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را بعنوان آیین جاودان شما پذیرفتم - اما کسانی که در حال گرسنگی، ناچار شوند، و تمایل به گناه نداشته باشند، مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛ - خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

۲. همچنین روایاتی نیز در این باره وارد شده بود که در ابتدای بحث آوردیم.^۳

۱. ن. ک: ص ۴۷ درسنامه سال نهم فقه؛ ایضاً برای توضیح ازالام ن. ک: ص ۴۳ درسنامه سال نهم فقه

۲. مانده، آیه ۳

۳. ن. ک: روایت ۳، ص ۵۶ درسنامه سال نهم فقه و روایت ۳۶، ص ۶۹ درسنامه سال نهم فقه



۳. چنانکه در جای خود گفتیم «استقسام به ازلام»، به صراحت در روایات، قمار و میسر دانسته شده است و لذا اینکه کسی تحریم این کار را از باب حرمت عبادت اصنام بداند^۱ سخن کاملی نیست.^۲
۴. همچنین -خلافاً لمرحوم حلی^۳- حرمت استقسام به ازلام به جهت حرمت لعب با آلات قمار نیست، چرا که اولاً ما برای «آلیت قمار» در صدق عنوان قمار، موضوعیت قائل نبودیم و ثانیاً بعید است «ازلام» را بتوان از آلات قمار به حساب آورد.
۵. گفتیم که در «استقسام به ازلام»، چندین نفر، بین خود قرعه کشی می کرده اند و هر کس می باخته است، باید «ثمن جزور» را پرداخت می کرده است. پس در این کار -اگر افراد ۱۲ نفر بوده باشند- هر نفر $\frac{1}{12}$ جزور را مالک می شده است و در عین حال یک یا چند نفر (بازنده ها) باید کل ثمن را می پرداخته اند. پس این کار دقیقاً برعکس بخت آزمایی است، چرا که در بخت آزمایی همه افراد -مثلاً- $\frac{1}{12}$ ثمن جایزه را می دهند و یک نفر برنده همه‌ی مال می شود، در حالیکه در این کار همه $\frac{1}{12}$ جایزه را مالک می شوند و یک نفر -یا چند نفر- همه‌ی پول آن را می دهد.
- توجه شود که در کنار فارق اصلی این دو دسته با هم، در «استقسام به ازلام» یک مشکل دیگر وجود دارد که در بخت آزمایی نیست و آن عبارت است از اینکه یک نفر باید پول همه جزور را بدهد در حالیکه در مقابل آن، تنها $\frac{1}{12}$ را کسب می کند و این ضرر و نقصان است (و به همین جهت هم، این نوع یعنی استقسام ازلام مورد رغبت مردم نیست، چرا که مردم چنین ریسکی نمی کنند. و حتی در میان اعراب هم این فقط مربوط به اشراف بوده است و کسی هم که از این کار سر باز می زده است، شماتت می شده، چرا که متهم به نوعی خست می شده است)
- ولی البته از یک مشکل هم مبری است و آن اینکه کسی در ازای «حضور در قرعه کشی» پولی پرداخت نمی کند (تا گفته شود که این معامله‌ی سفیهانه است)
۶. حال اگر گفتیم حکم (حرمت) مخصوص به «استقسام به ازلام» است و شامل غیر ازلام نمی شود (چنانکه مرحوم حلی به همین جهت استخاره و قرعه را با اینکه استقسام می داند، از تحت حرمت خارج می کند) و یا گفتیم «حرمت استقسام به ازلام» شامل جایی است که «ثمن توسط یک نفر پرداخت شود و جایزه تقسیم شود» و این عکس بخت آزمایی است؛ در این دو صورت آیه «ازلام» و حکم آن شامل بخت

۱. بحوث فقهیه، ص ۷۰

۲. آنها أدوات یستقسم بها علی الجزور، و لكل منها اسمہ الخاص و من مجموع هذه التفاسیر تعلم أن هذه الأدوات علی أي نحو كانت فهی مقدسة عندهم، و كانوا یعتقدون انها ترشدہم الی الخیر و الصلاح فهی من فروع عبادۃ الأصنام [بحوث فقهیه، ص ۷۰]

۳. ن ک: بحوث فقهیه، ص ۷۲



آزمایی نمی‌شود. ولی اگر تنقیح مناط کردیم و حکم را در همه استقسام‌ها جاری دانستیم، و گفتیم «فرقی بین صورتی که یک نفر در اثر قرعه کشی، همه مال را می‌دهد و بقیه درصدی را مالک می‌شوند با صورتی که همه درصدی را می‌دهند و یک نفر همه را مالک می‌شود، نیست»؛ می‌توان از این آیات، حکم تحریم بخت آزمایی را استفاده کرد. (و شاید به همین جهت مرحوم شعرانی با عنایت به فرق استقسام به ازلام و بخت‌آزمایی، استقسام را «نوعی بخت‌آزمایی» برمی‌شمارد^۱) (و لا یبعد القول بها بل القول بها معتمد) در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

۷. لازم است به این نکته هم توجه کنیم که با عنایت به فرقی که بین استقسام و بخت‌آزمایی گذاشتیم، (و خواهیم گفت که بخت‌آزمایی هویت قمار را دارد) می‌توان عطف «ازلام» به «میسر» در آیه شریفه را عطف خاص به عام ندانست و عطف دو صورت مختلف و مابین تصویر کرد.